



کتابخانه مدرسه فقهات، کتابخانه ای رایگان برای مستند سازی مفاهیم دینی.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی lib.eShia.ir مراجعه فرمایید.

الله ... » .

سؤالات و تمرینات ص (235 و 236)

1- حروف شرط را شمرده و بیان کنید که بر چه داخل می‌شوند؟

2- فرق بین «ان» و «لو» چیست؟

3- «ان» در چه اموری استعمال می‌شود، با مثالهایی آن را توضیح دهید.

4- «لو» بر چه دلالت می‌کند، با مثال آنرا واضح کنید.

5- وقتی قسم بر شرط مقدم شود بیان کنید:

اولاً: فعلی که حرف شرط بر آن داخل می‌شود چه فعلی است؟

ثانیاً: کدامیک از قسم و شرط در لفظ نیاز به جواب دارند؟

ثالثاً: در جمله جواب چه چیز واجب می‌باشد؟

6- از آیات ذیل حروف شرط را استخراج کرده و شرط و جزاء را معین نمایید:

الف: «قل إن كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم و الله غفور رحيم» (آل عمران: 3- 31)

ب: «... و لو شاء الله لجعلكم أمة واحدة و لكن ليلوكم في ما آتاكم ...» (ألمائدة: 5- 48)

ج: «قل للذين كفروا إن ينتهوا يغفر لهم ما قد سلف و إن يعودوا فقد مضت سنة الأولين» (الأنفال: 8- 38)

د: «إن يمسسك بخير فهو على كل شيء قدير» (الأنعام: 6- 17)

ه: «لونشاء لجعلناه حطاما فظنتم تفكّهون» (ألواقعة: 56- 70)

و: «لونشاء جعلناه أجاجا فلو لا تشكرون» (ألواقعة: 56- 70)

ز: «... و إن خفتم عيلة فسوف يغنيكم الله من فضله ...» (التوبة: 9- 28)

7- دو آیه زیر را ترکیب کرده و اعراب کلماتشان را معین نمایید:

الف: «إن تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نكفر عنكم سيئاتكم و ندخلكم مدخلا

کریماً» (النساء: 4- 31)

ب: «لوانزلنا هذا القرآن علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشية الله و تلك الأمثال نضربها للناس لعلهم يتفکرون» (الحشر: 59- 21)

جواب

1- حروف شرط سه تا هستند باین شرح: ان، لو، اما.

این حروف بر سر دو جمله داخل می‌شوند اولی شرط و دومی جواب می‌باشد اعم از آنکه هر دو اسمیه بوده یا هر دو فعلیه باشند یا یکی فعلیه و دیگری اسمیه آورده شده باشد.

2- فرق بین «ان» و «لو» این است که «ان» برای استقبال بوده اگرچه بر سر ماضی داخل شود بخلاف «لو» که برای ماضی است اگرچه بر سر مضارع دربیاید

3- « ان » در اموری که وقوع و عدم وقوعشان مشکوک است استعمال می‌شود مانند: ان قمت قمت (اگر بایستی می‌ایستم) در این مثال قیام و عدم قیام مخاطب محتمل و مشکوک است و هیچ يك بر دیگری ترجیح ندارد لذا در مورد مزبور « ان » بکار رفته است.

4- « لو » دلالت دارد بر نفی جمله دوّم (جواب) به سبب نفی جمله اوّل (شرط) مانند: لو كان فيهما آلهة إلا الله لفسدتا (اگر در آسمان و زمین خدایانی غیر از حق تعالی می‌بودند محققاً آسمان و زمین فاسد می‌گشتند).

5- اگر در موردی قسم بر شرط مقدم گردد:

اولاً: واجب است فعلی که حرف شرط بر آن داخل شده یا لفظاً ماضی باشد مانند: و الله ان اتيتني لاكرمتك چنانچه ملاحظه می‌شود « اتيتني » لفظاً به صیغه ماضی است.

یا باید معنا ماضی باشد مانند: و الله ان لم تأتني لا هجرتك (بخدا قسم اگر نزد من نیایی از تو دوری می‌کنم).

و همانطوری که مشاهده می‌شود « لم تأتني » اگرچه لفظاً به صیغه مضارع است

ولی معنای آن ماضی است.

ثانياً: قسم محتاج به جواب است نه شرط فلذا در مثال اوّل « لاكرمتك » در مثال دوّم « لاهجرتك » در لفظ جواب برای قسم بوده نه اینکه جزاء شرط باشند.

ثالثاً: بر سر جمله جواب باید « لام » یا اداتی که بر سر جواب قسم می‌آورند، آورد چنانچه در دو مثال مذکور مشاهده می‌شود

6- و اما استخراج حروف شرط از آیات مذکور و تعیین شرط و جزاء آنها:

الف: « ان » حرف شرط و « كنتم تحبون » فعل شرط و « فأتبعوني » جزاء شرط می‌باشد

ب: « لو » حرف شرط و « شاء الله » فعل شرط بوده و « لجعلكم » جواب شرط می‌باشد

ج: « ان » حرف شرط و « ينتهوا » فعل شرط و « يغفر » جواب شرط می‌باشد و نیز « ان » دوّم حرف شرط و « يعودوا » فعل شرط و « فقد مضت » جواب شرط می‌باشد

د: « ان » حرف شرط و « يمسك » فعل شرط و « فهو على كلّ شئ قدير » جواب شرط می‌باشد.

ه: « لو » حرف شرط و « نشاء » فعل شرط و « لجعلناه » جواب شرط می‌باشد.

و: « لو » حرف شرط و « نشاء » فعل شرط و « جعلناه » جواب شرط می‌باشد.

ز: « ان » حرف شرط و « خفتم » فعل شرط و « فسوف يغنيكم » جواب شرط می‌باشد

7- و اما ترکیب دو آیه مذکور:

الف: ان، حرف شرط، تجتنبوا، فعل و فاعل، فعل شرط، كبائر، مفعول برای « تجتنبوا » موصوف، ما، موصوله، صفت برای « كبائر »، تنهون، فعل مجهول با نائب فاعلش صله برای « ما »، عنه، جار و مجرور، متعلق به « تنهون » ظرف لغو، نكفر، فعل و فاعل، جواب شرط، لفظاً و محلاً مجزوم است، عنكم، جار و مجرور، متعلق به « نكفر » ظرف لغو، سيناتكم، مضاف و مضاف اليه، مفعول برای « نكفر »، واو، عاطفه

ندخلكم، فعل و فاعل و مفعول، معطوف به « نكفر » لذا لفظاً و محلاً مجزوم است، مدخلا، مفعول دوّم برای « ندخلكم » موصوف، كريما، صفت برای « مدخلا ».

ب: لو، حرف شرط، انزلنا، فعل و فاعل، فعل شرط، هذا، مفعول برای « انزلنا، القرآن، مشار اليه برای « هذا »، على جبل، جار و مجرور، متعلق به « انزلنا » ظرف لغو، لرأيت، فعل و فاعل و مفعول، جواب برای « لو » خاشعاً، مفعول دوّم برای « لرأيت » متصدعا، حال است از مفعول اوّل « رأيت »، من خشية، جار و مجرور، متعلق به « متصدعا »، الله، مضاف اليه برای « خشية »، واو، استينافيه، تلك، اسم اشاره، الامثال مشار اليهش، اسم اشاره با مشار اليه مبتداء، ضربها، فعل و فاعل و مفعول، خير، للناس، جار و مجرور، متعلق به « ضرب » ظرف لغو، لعلّ، از حروف مشبهة بالفعل، هم، اسم برای « لعلّ »، يتفكرون، فعل و فاعل، خبر برای « لعلّ » و جمله « تلك الامثال الخ » محلی از اعراب ندارد.

سؤالات و تمرينات ص (239 و 238)

1- «اما» شرطیه در چه معنایی استعمال می‌شود؟ برای آن مثال بزنید

2- در جواب «اما» واجب است چه چیز آورده شود؟ آنرا با مثال واضح و روشن کنید

3- در اما برای چه جمله شرط حذف می‌شود؟

4- حکم جزئی که بعد از «اَما» می‌آید چیست؟

5- کَلَّا برای چه وضع شده؟

6- چرا «کَلَّا» که به معنای «حَقًّا» است مبنی می‌شود؟

7- از آیات ذیل «اَما» و «کَلَّا» را استخراج کرده و معنای آن دو را ذکر نمایید

الف: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ...» (آل عمران: 3-7)

ب: «أَمَّا مَنْ اسْتَعْنَى فَأَنْتَ لَهُ تَصَدَّى وَ مَا عَلَيْكَ أَلَّا يَرْكَبَ وَ أَمَّا مَنْ جَانَكَ يَسْعَى

و هو يخشى فأنْت عنه تلّهي كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ...» (عبس: 80-5 الى 11)

ج: «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ رَبِّي أَكْرَمَنِ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ وَ لَا تَحَاصُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (الْفَجْر 89-15 الى 18)

8- از سوره‌های زیر « اَما » و « کَلَّا » را استخراج کرده و معنای آن دو را ذکر کنید :

1- سورة النَّبَأِ

2- سورة التَّازِعَاتِ

3- سورة الْمُطَفِّفِينَ

4- سورة الْإِنْشِقَاقِ

5- سورة الْعَلَقِ

6- سورة التَّكْوِيْنِ

9- آیات شریفه زیر را ترکیب کرده و اعراب کلماتشان را بیان کنید:

الف: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى»

ب: وَ وَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى

ج: وَ وَجَدَكَ عَائِلًا فَأُعْنَى

د: فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

ه: وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

و: وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ» (الْأَصْحَى: 93-6 الى 11)

جواب

1- اَما برای تفضیل مجملی است که قبلا ذکر شده مانند: التَّاسِ شَقِيٌّ وَ سَعِيدٌ، فَأَمَّا الَّذِينَ سَعَدُوا فَفِي الْجَنَّةِ وَ أَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَفِي النَّارِ (مردم به دو دسته تقسیم می‌شوند: شقی و سعید، اَما آنانکه سعادت‌مند هستند پس در بهشت بوده و آنانکه شقی می‌باشند پس در دوزخ می‌باشند).

2- در جواب « اَما » واجب است « فاء » آورده شود و جمله اوّل (شرط) را سبب برای جمله دوّم (جواب) قرار داد مانند: اَما زيد فَمُنْطَلِقٌ

3- جهت آنکه فعل شرط را در « اَما » حذف می‌کنند آن است که بدینوسیله تنبیه می‌کنند که مقصود از آوردن « اَما » حکم اسمی است که بعد از آن واقع شده مانند: اَما زيد فَمُنْطَلِقٌ که تقدیر آن: مهما يكن من شيء فزيد منطلق می‌باشد پس جمله « يكن من شيء » که فعل شرط است حذف شده و « اَما فزيد منطلق » باقی ماند و چون دخول حرف شرط بر فاء جزائیه مناسب نبود بلکه بین این دو لازم است فاصله باشد به ناچار « فاء » را به جزء دوّم کلام یعنی « منطلق » نقل داریم.

4- جزء اوّل بعد از اَما مانند « زيد » در مثال گذشته اگر برای ابتدائیت صالح باشد آنرا مبتداء قرار می‌دهیم و در غیر اینصورت لازم است آنرا معمول برای بعد از « فاء » دانست مانند: اَما يوم الجمعة فزيد منطلق، در این مثال چون « يوم الجمعة » ظرف بوده و برای ابتدائیت صالح نیست به ناچار عاملش را منطلق قرار داده و بدین ترتیب

5- کَلَّا برای بازداشتن متکلم از آنچه به آن تکلم نموده است وضع شده مانند آنچه در کلام حق تعالی آمده: رَبِّي اِهَانَن (پروردگار من را خوار نمود) كَلَّا ... (نه چنین است ...)

6- در صورتی که « كَلَّا » به معنای « حَقًّا » باشد مبنی است یعنی اسمی است که چون با « كَلَّا » حرفی مشابهت دارد مبنی می‌باشد.

7- و اَمَّا استخراج « اَمَّا » و « كَلَّا » از آیات مذکور و بیان معنای آنها:

الف: « اَمَّا » در «فَاَمَّا الَّذِيْنَ فِيْ قُلُوْبِهِمْ ...» برای تفصیل مجملی است که قبلیش ذکر شده و آن عبارت است از « و اِخْر متشابهات».

ب: « اَمَّا » در «اَمَّا مَن اسْتَغْنَى ...» و «اَمَّا مَن جَاءَكَ يَسْعَى ...» شرطیه است به دلیل آمدن « فاء » در جواب آنها و « كَلَّا » در «كَلَّا تَهَا تَذْكِرَة ...» حرف ردع می‌باشد

ج: « اَمَّا » در «فَاَمَّا الْاِنْسَانُ اِذَا مَا ابْتَلَاهُ ...» و در « اَمَّا اِذَا مَا ابْتَلَاهُ ... » شرطیه است

و جواب اوّلی « فيقول رَبِّي ... » بوده و جواب دوّمی « فيقول رَبِّي اِهَانَن ... » می‌باشد و کلمه « كَلَّا » حرف ردع می‌باشد

8- و اَمَّا استخراج « اَمَّا » و « كَلَّا » از سوره‌های مذکور و بیان معنای آن دو:

1- سوره نباء

آیه (4) كَلَّا سَيَعْلَمُونَ و آیه (5) ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ (كَلَّا) برای ردع می‌باشد

2- سوره نازعات

آیه (37) فَاَمَّا مَن طَغَى و آیه (40) و اَمَّا مَن خَاف مَقَامَ رَبِّهِ ... (اَمَّا) حرف شرط بوده و جواب اوّلی «فَاَن الْجَحِيْم ...» و جواب دوّمی « فَاتَّ الْجَنَّةُ ... » می‌باشد.

3- سوره مطففين

آیه (7) كَلَّا در آن حرف ردع می‌باشند.

آیه (14) كَلَّا در آن حرف ردع می‌باشد و « كَلَّا » در آیه (15) نیز حرف ردع می‌باشد چنانچه در آیه (18) نیز « كَلَّا » برای ردع می‌باشد

4- سوره انشقاق

آیه (7) اَمَّا در آن برای تفصیل مجمل ما قبل است و نیز « اَمَّا » در آیه (10) به همین معنا می‌باشد

5- سوره علق

آیه (6) كَلَّا در آن حرف ردع می‌باشد چنانچه كَلَّا در آیه (15) نیز به همین معنا است و همچنین كَلَّا در آیه (19) حرف ردع می‌باشد

سوره نكاثر

« كَلَّا » در آیات (3) و (4) و (5) حرف ردع می‌باشد

9- و اَمَّا ترکیب آیات مذکور:

الف: « أ » همزه استفهامیه است که در اینجا به معنای تقریر آمده یعنی حمل مخاطب بر اقرار به ما بعد نفی « لَمْ يَجِدْكَ » فعل مضارع مجزوم به « لَمْ » ، فعل و فاعل و مفعول اوّل، یتیم، مفعول دوّم برای « لَمْ يَجِدْ »، فاء، عاطفه، آوی، فعل و فاعل،

معطوف به « لَمْ يَجِدْكَ ».

ب: واو، عاطفه، وجدك، فعل و فاعل و مفعول اوّل، ضالّا، مفعول دوّم، معطوف به « لَمْ يَجِدْكَ »، فاء، عاطفه، هدی، فعل و فاعل، معطوف به « وجدك » .

ج: واو، عاطفه، وجدك، فعل و فاعل، و مفعول اوّل، عائلا، مفعول دوّم، معطوف به « لَمْ يَجِدْكَ »، فاء، عاطفه، اعنی، فعل و فاعل، معطوف به « وجدك » .

د: فاء، عاطفه، اَمَّا، شرطیه، الیتیم، مفعول مقدم برای « لَا تَقْهَر »، فاء، جوابیه، لَا تَقْهَر، فعل نهی فعل و فاعل و تقدیر کلام: مهما یکن من شیئی فلا تقهر الیتیم می‌باشد، و این جمله معطوف است به « لَمْ يَجِدْكَ ».

ه: واو، عاطفه، اَمَّا، شرطیه، السائل، مفعول مقدّم برای « لَا تَنْهَر »، فاء، جوابیه، لَا تَنْهَر، فعل نهی، فعل و فاعل و تقدیر کلام: مهما یکن من شیئی فلا تنهر می‌باشد و

این جمله معطوف است به « اَمَّا الْيَتِيمَ ... » .

و: واو، عاطفه، اَمَّا، شرطیه، باء، حرف جارّ، نعمة، مجرور به باء، متعلّق به « حَدَّثَ » .

مضاف، ربّ، مضاف الیه، مضاف، كاف، مضاف الیه، فاء، جوابیه، حدّث، فعل و فاعل و تقدیر کلام: مهما يكن من شيء فحدث بنعمة ربك می‌باشد و این جمله معطوف است به « اَمَّا الْيَتِيمَ ... » .

سؤالات و تمرینات ص (242 و 243)

1- تاء تأنیث ساکنه بر چه دلالت دارد؟ برای آن مثال بزنید.

2- چه وقت واجب است تاء تأنیث حرکت داده شود و چه حرکتی به آن داده و برای چه حرکت می‌گیرد؟

3- تنوین را تعریف کرده و برای آن مثال بزنید.

4- اقسام تنوین را بشمارید

5- تنوین تمکّن چیست؟ و برای آن مثال بزنید

6- تنوین تنکیر و عوض را تعریف کنید.

7- چرا تنوین مقابله را مقابله نامیده‌اند؟ آنرا با مثال شرح دهید.

8- تنوینی که به اسم اختصاص ندارد چیست؟

9- چه وقت تنوین از علم حذف می‌شود؟

10- از آیات ذیل تاء تأنیث ساکنه و تنوین را استخراج کرده و نوع تنوین را بیان کنید:

الف: «عَسَىٰ رَبِّهٖ اِنْ طَلَّقَنَّ اَنْ یُّدِلَّهٗ اَزْوَاجًا خَیْرًا مِنْكَ مَسْلَمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَاحِبَاتٍ سَاحَّاتٍ نَّیِّبَاتٍ وَ اَبْكَارًا» (التحریم: 66- 5)

ب: «وَبِلْیَوْمِنَا لِلْمُكْذِبِیْنَ» (المرسلات: 77- 19)

ج: «... وَ كَلَّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحَسَنٰی وَ فَضَّلَ اللّٰهُ الْمَجَاهِدِیْنَ عَلٰی الْفَاعِدِیْنَ اَجْرًا عَظِیْمًا» (التّساء: 4- 95)

د: «تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰی بَعْضٍ مِنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللّٰهُ وَ رَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ...» (البقرة: 2- 253)

ه: «قُلْ اَدْعُوْا اللّٰهَ اَوْ اَدْعُوا الرَّحْمٰنَ اَيُّا مَا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی ...» (الاسراء: 17- 110)

11- تاء تأنیث و تنوین را از سوره‌های ذیل استخراج کرده و نوع تنوین‌ها را بیان نمایند: سوره: زلزله، انشقاق، قارعه، مسد

12- آیه ذیل را ترکیب کرده و اعراب کلماتش را بیان کنید:

«وَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْیَةٍ عَنَتْ عَنْ اَمْرِ رَبِّهَا وَ رَسَلِهٖ فَاَسْبٰنَهَا حَسَاسًا شَدِیْدًا وَ عَذٰبِنَا عَذَابًا نَّكَرًا فَذَاقَتْ وَ بِآلِ اَمْرِهَا وَ كَانَ عَاقِبَةُ اَمْرِهَا خَسِرًا» (الطلاق: 65- 8 و 9)

جواب

1- تاء تأنیث ساکنه به فعل ماضی ملحق شده تا بر تأنیث مسندالیه فعل دلالت کند مانند: ضربت هند

2- وقتی تاء تأنیث ساکنه با حرف ساکنی دیگر ملاقات کند متحرک می‌شود و حرکتش کسره است و جهتش آن است که قاعده معروفی است که: هرگاه دو ساکن با

هم ملاقات کردند لازم است اولی را متحرک به حرکت کسره کنند مانند: قد قامت الصلوة، شاهد در « تاء » قامت است که ساکن بوده و بعد از ملاقات با صاد اول « الصلوة » که آن نیز ساکن است مکسور گردیده.

3- تنوین نون ساکنه‌ای است که تابع حرکت آخر کلمه است باین معنا اگر حرکت آخر ضمّه باشد تنوین را نون ساکنی که ما قبلش ضمّه است می‌خوانیم مانند: جاء زید و اگر حرکت آخر کسره باشد تنوین را نون ساکنی که ما قبلش کسره است می‌خوانیم مانند: مررت بزید

و اگر حرکت آخر فتحه باشد تنوین را نون ساکنی که ما قبلش فتحه است می‌نامیم مانند: رأیت زیدا

4- تنوین پنج قسم است: تنوین تمکّن، تنوین تنکیر، تنوین عوض، تنوین مقابله، تنوین ترثم.

5- تنوین تمکن نونی است که دلالت بر متمکّن بودن اسم در مقتضای اسمیتش دارد یعنی دلالت می‌کند اسم منصرف بوده و تمام حرکات اعرابی را می‌پذیرد مانند تنوین در « زید »

6- تنوین تنکیر نونی است که بر نکره بودن اسم دلالت دارد مانند تنوین در « صه (سکوت کن سکوتی) و تنوین عوض نونی است که عوض از مضاف الیه آورده می‌شود مانند تنوین در « حینئذ » و « یومئذ » این دو کلمه در اصل: حین اذ کان و یوم اذ کان بوده‌اند و بعد از حذف « اذ کان » به حین و یوم تنوین داده شد تا آن عوض از محذوف باشد.

7- تنوین مقابله را بخاطر این مقابله می‌گویند که این تنوین در مقابله نون رفعی که به جمع مذکر سالم ملحق می‌شود به جمع مؤنث سالم داده می‌شود مانند تنوین در « مسلمات » که در مقابل نون در « مسلمون » می‌باشد.

8- تنوینی که به اسم اختصاص ندارد تنوین ترتّم می‌باشد که به آخر ابیات و مصراع‌ها ملحق می‌گردد مانند: یا ابتا علّک او عساکا.

9- وقتی برای اسم علم کلمه « ابن » را صفت آورند در حالیکه « ابن » به علم دیگر اضافه شده باشد تنوین را از علمی که موصوف « ابن » است حذف می‌کنند مانند: جانی زید بن عمرو

10- و اما استخراج تاء تأنیث ساکنه و تنوین از آیات مذکور و تعیین نوع تنوین:

الف: تنوین در « ازواج و خیرا و ابکارا » تنوین تمکّن بوده و در « مسلمّات، مؤمنات، قانتات، ثابتات، عابدات، ستائحات، ثّیبات » تنوین مقابله است.

ب: تنوین در « ویل » تنوین تمکن می‌باشد و در « یومئذ » تنوین عوض است.

ج: تنوین در « کلا » تنوین عوض از مضاف الیه محذوف بوده و تقدیر: کلّ واحد من القاعدین و المجاهدین می‌باشد و تنوین در « اجرا » و « عظیما » تنوین تمکن می‌باشد.

د: تنوین در « بعض » تنوین عوض از مضاف الیه محذوف بوده و تقدیر « بعضهم » می‌باشد و تنوین در « درجات » تنوین تمکّن می‌باشد.

ه: تنوین در « ایّا » تنوین تمکن می‌باشد

11- و اما استخراج تاء تأنیث و تنوین از سوره‌های مذکور و بیان نوع تنوین‌ها:

سوره زلزله

آیه (1) تاء در « زلزلت » تاء تأنیث ساکنه است و بخاطر التقاء ساکنین مکسور شده و همچنین است تاء در « اخرجت » در آیه (2).

آیه (4) تنوین در « یومئذ » تنوین عوض می‌باشد و همچنین است « یومئذ » در آیه (6) و تنوین « اشتاتا » در این آیه تنوین تمکّن می‌باشد.

آیه (7) تنوین در « ذرّة » تنوین تمکن می‌باشد و در آیه (7) تنوین « ذرّة » و « شرا » نیز برای تمکّن می‌باشد.

سوره انشقاق

آیه (1) تاء در « انشقت » تاء تأنیث می‌باشد.

آیه (2) تاء در « اذنت » و « حقّت » تاء تأنیث می‌باشد.

آیه (3) تاء در « مدّت » تاء تأنیث می‌باشد.

آیه (4) تاء در « الفت » و « تخلّت » تاء تأنیث می‌باشد.

آیه (5) تاء در « اذنت » و « حقّت » تاء تأنیث می‌باشد.

آیه (6) تنوین در « کادح » و « کدحا » تنوین تمکن می‌باشد.

آیه (11) تنوین در « ثورا » تنوین تمکن می‌باشد.

آیه (12) تنوین در « سعیرا » تنوین تمکن می‌باشد.

آیه (13) تنوین در « مسرورا » تنوین تمکن می‌باشد.

آیه (15) تنوین در « بصیرا » تنوین تمکن می‌باشد.

آیه (19) تنوین در « طبقا » و « طبق » تنوین تمکن می‌باشد.

آیه (24) تنوین در « عذاب » و « الیم » تنوین تمکن می‌باشد.

آیه (25) تنوین در « اجر » تنوین تمکن می‌باشد.

سوره قارعه

آیه (6) تاء در « ثقلت » تاء تأنیث می‌باشد.

آیه (7) تنوین در « عیشة » و « راضیة » تنوین تمکن می‌باشد.

آیه (8) تاء در « حقت » تاء تأنیث می‌باشد.

آیه (9) تنوین در « هاویه » تنوین تمکن می‌باشد.

آیه (11) تنوین در « نار » و « حامیة » تنوین تمکن می‌باشد.

سوره مسد

آیه (1) تاء در « تبت » تاء تأنیث می‌باشد.

آیه (3) تنوین در « نارا » تنوین تمکن می‌باشد.

آیه (5) تنوین در « حبل » و « مسد » تنوین تمکن می‌باشد

12- و اما ترکیب آیه مذکور:

واو، استینافیه، کائین، اسم مبهم، خبریه، من، جازه، زائده، قریه، تمیز برای « کائین » موصوف، عتت، فعل ماضی، فعل و فاعل، صفت برای « قریه » ، عن، جاره،

امر، مجرور به عن متعلق به « عتت » ، ظرف لغو، مضاف، ربّ، مضاف الیه، مضاف، ها، مضاف الیه، واو، عاطفه، رسله، مضاف و مضاف الیه، معطوف به « ربّها » ، فاء، عاطفه، حاسبناها، فعل و فاعل و مفعول، معطوف به « عتت » ، حسابا، مفعول مطلق نوعی، موصوف، شدیداً، صفت برای « حسابا » ، واو، عاطفه، عدّناها، فعل و فاعل و مفعول، معطوف به « حاسبناها » ، عذابا، مفعول مطلق نوعی موصوف، نکرا، صفت برای « عذابا » ، فاء، عاطفه، ذاقت، فعل و فاعل، معطوف به « عتت » ، وبال، مضاف، مفعول برای « ذاقت » ، امر، مضاف الیه، مضاف، ها، مضاف الیه، واو، حالیه، کان، از افعال ناقصه، عاقیه، اسم برای « کان » مضاف، امر، مضاف الیه، مضاف، ها، مضاف الیه، خسرا، خبر برای « کان » و جمله « کان عاقیه امرها خسرا » محلاً منصوب است بنابر حالیت.

سؤالات و تمرینات ص (247 و 246)

1- نون تأکید چیست؟

2- نون تأکید ثقلیه چه وقت مفتوح و چه زمان مکسور می‌شود؟

3- مواضعی که جایز است نون تأکید ملحق بشود کدام است؟

4- چه وقت واجب است نون تأکید ملحق بشود؟ و برای چه ملحق می‌شود؟

5- چه وقت واجب است قبل از نون تأکید مضموم و چه وقت باید مکسور گردد؟

6- برای چه قبل از نون تأکید در تننیه و جمع مؤنث مفتوح می‌شود؟

7- نون تأکید خفیفه بر چه داخل نشده و برای چه داخل نمی‌شود؟

8- از جملات زیر افعالی که مؤکد به نون تأکید هستند را استخراج کرده و سپس آنها را به اصلشان پیش از الحاق نون تأکید برگردانید.

الف: «ولئن لم یفعل ما امره لیسجننّ و لیكونا من الصّاعرین» (یوسف: 12- 32)

ب: «واتّقوا فتنة لا تصیبنّ الذّین ظلموا منکم خاصّة...» (الأنفال: 8- 25)

ج: «فکلی و اشربی و قرّی عینا فإمّا تربینّ من البشر أحدا فقولی...» (مریم: 19- 26)

د: «وَأَصْلَتَهُمْ وَآمَنَتُهُمْ وَأَمَرْتَهُمْ فَلْيَتَكَنَّ أَذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُمْ فَلْيَغَيِّرْ خَلْقَ اللَّهِ ...» (النساء: 4- 119)

ه: «قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَنَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (يونس: 10- 89)

و: «كَلَّا لَنَلْنِي لَمْ يَنْتَه لِنَسْفَعَا بِالنَّاصِيَةِ» (العلق: 96- 15)

ز: «وَالَّذِي بَعَثَهُ بِالْحَقِّ لَتُبْلِلُنَّ بَلْبِلَةً وَتُغْرِبُنَّ غَرْبَةً وَتَسْأَطُنَّ سَوَاطِنَ الْقَدَرِ ...» (نوح: البلاغة، الخطبة: 16- 3)

9- بر افعال زیر دو نون تأکید (خفیفه و ثقیله) را داخل کنید:

«إِحْرَصَا، إِذْخَرُوا، إِنصَحُوا، لَا تَهْمَلُنَّ، تَنْجِزِينَ، لَا تَهْمَلِي، أَتَكَلَّمُ، إِبْذَلِي، اتَّقِ، عِ، ذَرِ، عَظْ»

10- سوره مبارکه ذیل را ترکیب کرده و اعراب کلماتش را بیان کنید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» «أَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ» (الحمد، 1- 1 الی 7)

جواب

1- نون تأکید نونی است که وضع شده برای تأکید امر و مضارع مشروط به اینکه در مضارع معنای طلب باشد در مقابل «قد» که برای تأکید فعل ماضی قرار داده شده.

2- نون تأکید ثقیله در صورتی که قبلیش الف نباشد مفتوح است مانند: اضربن (بزن تو يك مرد البتّه البتّه)، اضربن (بزنید شما مردان البتّه البتّه)، اضربن (بزن تو

يك زن البتّه البتّه) و در غیر این صورت مکسور می باشد مانند: اضربان (بزنید شما دو مرد البتّه البتّه) اضربانان (بزنید شما زنان البتّه البتّه)

3- در پنج موضع الحاق نون تأکید جایز است باین شرح: الف: فعل امر مانند: اضربن

ب: فعل نهی نظیر: لا تضربن

ج: استفهام مثل: هل يضربن

د: تمنی هم چون: ليت يضربن

ه: عرض مانند: الا تنزلن

4- بر فعل قسم واجب است نون تأکید داخل و الحاق گردد زیرا قسم بر چیزی که غالبا مطلوب متکلم و مورد خواسته اش هست درآمده از این رو چون صدر کلام با قسم که دال بر تأکید است آغاز شده برای اینکه آخر آن نیز خالی از معنای تأکید نباشد نون را واجب است درآورند مانند: و الله لأفعلن کذا (بخدا قسم البتّه البتّه چنین کاری را انجام می دهم).

5- در جمع مذکر ما قبل نون تأکید باید مضموم باشد مانند: اضربن و در مفرد مؤنث مخاطب ما قبل نون مکسور است تا دلالت کند محذوف باء بوده مانند: اضربن

6- در تننیه و جمع مؤنث ما قبل نون تأکید مفتوح است مانند: اضربان و اضربانان و وجه آن این است که ما قبل نون در این دو صیغه الف است که آنرا برای عدم اجتماع سه نون (نون ضمیر و نون تأکید مشدّد که در واقع دو نون است) اضافه نموده اند و قبل از الف باید مفتوح باشد پس مقصود از ما قبل نون در این دو همان آخرین حرف فعل یعنی «با» در اضربان و نون در اضربانان می باشد.

7- نون تأکید خفیفه به سه صیغه ملحق نمی شود.

الف: تننیه مذکر، ب: تننیه مؤنث، ج: جمع مؤنث

و علتش این است که: اگر نون تأکید را در این صیغه ها متحرک کنیم بر اصل خود که سکون است باقی نمانده و دیگر خفیفه نیست و اگر به حالت سکون آنرا باقی بداریم التقاء ساکنین علی غیر حده لازم آمده که آن هم حسن نمی باشد لذا

چون دخولش مستلزم ارتکاب احد المحذورین می باشد از الحاقش در این سه مورد صرف نظر کردیم.

(التقاء ساکنین علی حده آن است که اولی از دو ساکن حرف مدّ (واو- یاء- الف منقلب از این دو) و دوّمی مشدّد باشد و در غیر این صورت التقاء ساکنین علی غیر حده می باشد).

8- و اما استخراج افعال مؤکد به نون تأکید از جملات مذکور و الحاقشان به اصل آنها:

الف: لیسنجَن در اصل لیسنجن بوده و لیكونن در اصل لیكون بوده است

ب: لا تصیبن در اصل لا تصیب بوده است

ج: ترین در اصل ترأیین بوده منتهی در استعمال آنرا بدون همزه آورده و می‌گویند ترین.

د: لاضلَّهم در اصل لاضلَّ بوده و لامتَّهم در اصل لامتَّی بوده و لامرَّهم در اصل لامرَّ بوده و فلیتَّکن در اصل لیبتَّکون بوده و فلیغَّیرت در اصل لیغَّیرون بوده

ه: لا تتبعان در اصل تتبعان بوده

و: لنسفعن در اصل لنسفع بوده

ز: لتبلیبن در اصل لتبلیلونن بوده و لتغریبن در اصل لتغریلون و لتسأطن در اصل لتسأطون بوده است

9- و اما الحاق دو نون تأکید (خفیفه و ثقیله) به افعال مذکور:

احرصان (تنبيه امر حاضر مؤکد به نون تأکید ثقیله) اذخرو (جمع مذکر از امر حاضر مؤکد به نون تأکید ثقیله) اذخرو (جمع مذکر از امر حاضر مؤکد به نون تأکید خفیفه) انصحن (جمع مذکر از امر حاضر مؤکد به نون تأکید ثقیله) انصحن (جمع مذکر از امر حاضر مؤکد به نون تأکید خفیفه) لا تهملن (جمع مؤنث حاضر از فعل نهی مؤکد به نون تأکید ثقیله) تنجزن (مفرد مؤنث حاضر از فعل مضارع مؤکد به نون تأکید ثقیله) تنجزن (مفرد مؤنث حاضر از فعل مضارع مؤکد به نون تأکید خفیفه) لا

تهملن (مفرد مؤنث حاضر از فعل نهی مؤکد به نون ثقیله) لا تهملن (مفرد مؤنث حاضر از فعل نهی مؤکد به نون خفیفه) انکلمن (متکلم وحده از فعل مضارع مؤکد به نون تأکید ثقیله) انکلمن (متکلم وحده از فعل مضارع مؤکد به نون تأکید خفیفه)

ابدلن (مفرد مؤنث حاضر از فعل امر مؤکد به نون تأکید ثقیله) ابدلن (مفرد مؤنث حاضر از فعل امر مؤکد به نون تأکید خفیفه) اتقین (مفرد مذکر حاضر از امر مؤکد به نون تأکید ثقیله) اتقین (مفرد مذکر حاضر از امر مؤکد به نون تأکید خفیفه) عین (مفرد مذکر حاضر از امر مؤکد به نون تأکید ثقیله) عین (مفرد مذکر حاضر از امر مؤکد به نون تأکید خفیفه) ذرن (مفرد مذکر حاضر از امر مؤکد به نون تأکید ثقیله) ذرن (مفرد مذکر حاضر از امر مؤکد به نون تأکید خفیفه) عطن (مفرد مذکر حاضر از امر مؤکد به نون تأکید ثقیله) عطن (مفرد مذکر حاضر از امر مؤکد به نون تأکید خفیفه).

10- اما ترکیب سوره حمد:

بسم: جار و مجرور، متعلق به (ابتداء)، ظرف لغو، مضاف، الله، مضاف الیه، الرحمن، صفت برای « الله » ، الرحیم، صفت بعد از صفت.

الحمد: مبتداء اسمی، لله، جار و مجرور، متعلق به استقر، ظرف مستقر، خبر برای « الحمد » ، رب، مضاف، صفت برای الله، العالمین، مضاف الیه، مجرور، الرحمن، صفت برای « الله » ، الرحیم، صفت بعد از صفت، مالک، مضاف و صفت است برای « الله » و چون به معنای حال یا استقبال نیست اگر چه به صیغه اسم فاعل است ولی مع ذلك اضافه‌اش به « یوم الدین » از قبیل اضافه معنوی بوده از این‌رو از مضاف الیه کسب تعریف کرده و بدین ترتیب صحیح است صفت برای « الله » که معرفه هست قرار بگیرد، یوم الدین، مضاف و مضاف الیه و خود مضاف نیز مضاف الیه است برای مالک و اضافه « مالک » به « یوم » از قبیل اضافه و صفت به مفعول بوده که البته علی طریق اتساع صورت گرفته است، « ایاک » مفعول مقدم برای « نعبد » که تقدیمش به منظور حصر می‌باشد، نعبد، فعل و فاعل و فاعلش ضمیر

« نحن » بوده که در آن مستتر است و همین ترکیب در جمله « ایاک نستعین » می‌باشد و این دو جمله متعاطف هیچکدام محلّی از اعراب ندارند زیرا جمله اولی مستأنفه بوده و جمله دومی معطوف به آن می‌باشد.

« اهدنا » فعل و فاعل و مفعول، الصراط، مفعول دوم برای « اهد » ، موصوف، المستقیم، صله و موصول، صفت برای « الصراط » .

صراط، منصوب است تا بدل باشد از « صراط » در « اهدنا الصراط المستقیم » و از قسم بدل کلّ از کلّ می‌باشد، مضاف الذین، مضاف الیه، محلاً مجرور است، انعمت، صله و عائد برای « الذین » فعل و فاعل، محلّی از اعراب ندارد، علیهم جار و مجرور، متعلق است به « انعمت » ظرف لغو، غیر، صفت است برای « الذین » ال، اسم موصول، مغضوب، صله و موصول، مضاف الیه برای « غیر » علیهم، جار و مجرور، متعلق به « المغضوب » ظرف لغو، واو، عاطفه، لا، زائده، الصّالّین، معطوف به المغضوب.

پایان کتاب حلّ المسائل « الهدایة » تألیف سیّد محمّد جواد ذهنی تهرانی در روز دوشنبه بیست و هشتم ذیقعدة الحرام سنه 1422 مطابق با بیست و دوم بهمن ماه

تعریف علم نحو چیست؟

موضوع علم نحو چیست؟

برای چه نیاز به خواندن و فراگرفتن علم نحو داریم؟

کلمه را تعریف کن و اقسامش را بشمار؟

جهت منحصر بودن کلمه در سه قسم چیست؟

اسم را با ذکر چند مثال تعریف کنید؟

تعریف فعل چیست؟

در دو آیه ذیل علامات اسماء را معین کنید؟

حرف را تعریف کرده و چند مثال برای آن بیاورید؟

در جمله‌های ذیل اسماء و افعال و حروف آنها را جدا کنید؟

کلام را تعریف کنید و مثالی برای آن بیاورید؟

اقسام کلام را بیان کرده و برای آنها مثالی بیاورید؟

جملات فعلیه و اسمیه را از جمله‌های زیر بیرون آورید؟

مهرب را تعریف کرده و برای آن مثالی بریزید؟

معرّب چه حکمی دارد؟

اعراب و عامل را تعریف کنید؟

در جملات ذیل کلمه معرب و عامل و اعراب را معین کنید؟

اسم صحیح و جاری مجرای آن را با ذکر چند مثال تعریف کنید؟

اعراب اسماء غیر منصرف چیست مثالی برای آن بریزید؟

در جملات زیر اسماء معرب را جدا نموده و نوع اعراب آنها را ذکر نمایید

بن علامت تننیه و علامت جمع مذکر سالم چه فرقی است؟

اسم مقصور چیست؟ آنرا با مثال بیاورید؟

اسم منقوص را تعریف کرده و برای آن مثالی بیاورید؟

در جملات زیر اسماء معرب را جدا کرده و نوع اعرابشان را بگویند

اسم متمکّن را تعریف کرده و حکمش را با ذکر چند مثال بیان نمایند؟

اسم غیر منصرف را تعریف کرده و حکمش را بیان نموده و مثالی برایش بیاورید؟

اسباب نه‌گانه‌ای که مانع از منصرف گردیدن اسم است را بشمارید؟

عدل را تعریف کرده و اقسامش را با ذکر چند مثال ذکر کنید؟

در مؤنث معنوی شرط غیر منصرف بودن چیست؟

جرا در معارف شرط غیر منصرف بودن فقط علمیت می‌باشد؟

شرائط غیر منصرف بودن اسماء عجمی را ذکر کرده و چند مثال برای آن بیاورید؟

صیغه جمع منتهی الجموع بر چه وزنی است؟

در جملات زیر اسماء غیر منصرف را جدا کرده و سبب عدم انصراف آنها را بیان کنید؟

شرائط مانع از صرف بودن مرکب را بیان کرده و برای آن مثالی بریزید؟

شرط مانع از صرف بودن الف و نون زائده را بیان کنید

در دو جمله زیر اسماء غیر منصرف را جدا کرده و سبب عدم انصرافشان را بیان کنید؟

اسماء مرفوع را بشمارید؟

فاعل را تعریف کرده و انواعش را نام برید؟

حکم استناد فعل به جمع مکسر چیست؟

چه وقت فعل را تننیه و جمع می‌آورند؟

در جملات زیر فاعل و مفعول را استخراج کنید؟

در چه وقت تقدیم فاعل بر مفعول واجب است؟

آیا فعل به تنهایی یا با فاعل حذف می‌شود؟

نائب فاعل را تعریف کرده و مثالی برای آن بریزید؟

در مثالهای زیر آیا تقدیم مفعول بر فاعل جایز است؟

مبتداء و خبر را تعریف کرده و برای آن دو مثالی بریزید؟

30 [عامل در مبتداء و خبر چیست؟](#)

30 [میسوغات ابتداء بالنکرة را با ذکر امثله بیان کنید؟](#)

31 [در چه وقت تقدیم خبر بر مبتداء جایز است؟](#)

31 [در جملات ذیل مبتداء را از خبر مشخص کنید](#)

33 [اقسام خبر را با ذکر مثالی برای هر کدام بیان کنید؟](#)

33 [متعلق ظرف چیست آنرا با مثال بیان کنید؟](#)

33 [مبتداء وصفی چیست و شرط آن چه می باشد؟](#)

33 [در جملات ذیل اقسام خبر را معین کرده و عائد را در آنها ذکر نمایید؟](#)

35 [حروف مشبهة بالفعل را بشمرده و برای هر يك مثالی بیاورید؟](#)

35 [حکم خبر حروف مشبهة بالفعل از حیث افراد و جمله و تعریف و تنکیر چیست؟](#)

35 [چه وقت و برای چه تقدیم خبر حروف مشبهة بالفعل بر اسم آنها جایز است؟](#)

35 [عمل افعال ناقصه را با ذکر مثال یادآوری نمایید؟](#)

35 [آیا خبر «کان» و نظائر آن بر اسمش مقدم می شود؟ یا ذکر چند مثال آنرا توضیح دهید](#)

35 [آیا خبر این افعال \(افعال ناقصه\) بر این افعال مقدم می شود؟ آنرا با چند مثال تشریح نمایید](#)

40 [مفعول مطلق را با ذکر مثال تعریف کنید؟](#)

40 [اقسام مفعول مطلق را با ذکر مثال بشمارید](#)

40 [در کجا عامل مفعول مطلق حذف می شود](#)

40 [مفعول به را تعریف کن و مثالی برای آن بیاور](#)

40 [از آیات ذیل مفعول مطلق را استخراج کن و نوع آنرا بیان نما](#)

43 [موارد وجوب حذف عامل مفعول به را با چند مثال مفید ذکر کنید](#)

43 [در باب تحذیر چه وقت حذف عامل واجب است](#)

43 [در جملات زیر مفعول به را مشخص کرده و عامل آنرا معین نمایید](#)

45 [تعریف منادی چیست؟ آنرا با ذکر مثال بیاورید](#)

45 [منادای معرب را ذکر کرده و برای آن مثالی برنید](#)

45 [منادای مرخم را با ذکر مثال تعریف کنید](#)

46 [منادای منسوب چیست؟](#)

46 [چه فرقی بین «یا» و «ها» می باشد؟](#)

46 [در جملات ذیل منادی را استخراج کرده و نوع و اعرایش را بیان کنید](#)

48 [مفعول فیه را تعریف کنید](#)

48 [اقسام مفعول فیه را با مثال بشمارید](#)

48 [مفعول له را تعریف کرده و انواعش را ذکر کنید](#)

48 [از عبارات ذیل مفعول فیه ها را جدا کرده و نوع آنها را بیان کنید](#)

53 [مفعول معه را تعریف کرده و برای آن مثال برنید](#)

53 [چه وقت در مفعول معه دو وجه جایز است؟](#)

53 [چه وقت در مفعول معه نصب متعین است؟](#)

53 [در عبارات زیر مفعول معه ها را جدا کنید](#)

55 [در جملات زیر مفعول ها را جدا کرده و نوع هر يك را بیان کنید](#)

56 [تعریف حال چیست؟ آن را با مثال ذکر کنید](#)

56 [انواع عامل حال را با مثال ذکر کنید](#)

56 [چه وقت تقدیم حال بر ذوالحال واجب است؟](#)

56 [اقسام حال را با مثال بیان کنید](#)

61 [تمیز را تعریف کرده و برای آن مثال برنید](#)

61 [اقسام تمیزی که انهام را از ذات بر طرف می کند ذکر نموده و برای آنها مثال برنید](#)

61 [مستثنا را با ذکر مثال تعریف کنید](#)

61 [اقسام مستثنا را بیان کرده و برای آنها مثال برنید](#)

61 [در جملات و عبارات زیر تمیز را پیدا کرده و نوع آنرا بیان کنید](#)

64 [در چه وقت نصب مستثنا واجب است؟](#)

64 [تعریف مستثنای مفرغ را ذکر کرده و اعرایش را بگویند](#)

64 [وقتی کلمه «غیر» برای استثنا استعمال شود اعرایش چیست؟](#)

64 [در عبارات ذیل مستثنا را استخراج کرده و نوعش را بیان کنید](#)

68 [بین خبر افعال ناقصه و خبر مبتداء چه فرقی است؟](#)

68 [در چه وقت نصب اسم لاء نفی جنس واجب است؟ مثالی برای آن برنید](#)

68 [اسم لاء نفی جنس وقتی نکره و بین آن و لاء فاصله باشد اعرایش چیست؟](#)

68 [در جملات ذیل خبر «کان» و نظائر آن را استخراج کرده و مشخص نمایید](#)

71 [وجوهی که در «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» جائز می باشد را بنویسید](#)

71	شروط عمل «ما» و«لا» مشبیه بلیس را با مثال ذکر کنید
71	دلیل، حجازین بر عمل کردن «ما» و«لا» و برهان بنی تمیم بر عمل نکردن این دو چیست؟
71	زیر عبارات صحیح خط بکشید
73	در جملات زیر دو معمول(اسم و خبر) بنواسخ را استخراج کرده و مشخص نمائید
74	مضاف الیه را با ذکر مثال تعریف کنید
74	اقسام اضافه را با ذکر مثال بیان کنید
74	اضافه معنویه را تعریف کرده و انواع آنرا با ذکر مثال بیان نمائید
74	فائده اضافه چیست؟
74	در آیات شریفه زیر نوع اضافه را معین کنید
78	حکم اسم صحیح یا جاری محرای آن‌که به باء متکلم اضافه شده چیست؟
78	اعراب اسماء سته در وقتی که از اضافه قطع شده باشند چیست؟
78	حرا کلمه «ذو» حرکات اعرابی نمی‌گیرد؟
78	اسماء زیر را به باء اضافه کرده سپس، آنها را در جملات بیاورید
80	اسمهای مرفوع و منصوب و مجرور را در جملات زیر ترکیب کرده و وجه اعرایشان را بیان کنید
83	تابع را تعریف کرده و اقسامش را ذکر کنید
83	نعت را تعریف کرده و اقسامش را بیان نمائید
83	نعت حقیقی از منعتش در چه چیز تنعیت می‌نماید؟
83	نعت سببی از منعتش در چه چیز واجب است تنعیت کند؟
83	فوائد نعت چیست؟ با مثالهای مفید آنها را شرح دهید
83	منظور از این عبارت(ضمیر نه موصوف واقع شده و نه صفت) چیست؟
83	در جملات زیر نعت‌ها را مشخص کنید
86	عطف نسبی را تعریف کرده و برای آن مثالی برنید
86	در چه وقت جائز است بر دو ضمیر متصل، مرفوع و مجرور عطف نمود؟
86	اقوالی که در مورد عطف بر دو معمول دو عامل، مختلف می‌باشد را ذکر کنید
86	در جملات زیر معطوف و معطوف علیه را مشخص کنید
90	تأکید را تعریف کرده و برای آن مثالی بیاورید
90	تأکید لفظی را با ذکر مثال تعریف کنید
90	بین الفاظ تأکید معنوی چه فرقی هست؟ با مثال آنها را شرح دهید
90	ضمیر متصل، مرفوع را چگونه با «نفسی» و «عین» تأکید می‌کنند؟ برای آن مثالی بیاورید
90	شرط کلمه‌ای که با «کل» و «اجمع» تأکید می‌شود چیست؟
90	از جملات و عبارات زیر تأکید معنوی را استخراج کنید
92	بدل را تعریف کرده و برای آن مثالی برنید
97	سؤالات و تمرینات ص
97	مینی را با دو قسمش تعریف کرده و برای آنها مثال برنید
97	مینبات را بشمارید
97	مضمیر را تعریف کرده و برای آن مثالی برنید
97	انحاء و انواع تقدم مرجع ضمیر غائب را ذکر کرده و برای آنها مثالهای مفید بیاورید
97	ضمیر متصل و منفصل را تعریف کرده و اقسام آن دو را ذکر کنید
97	در جملات زیر انحاء و انواع تقدم مرجع ضمیر را معین کنید
101	مواضع استتار ضمیر را ذکر کرده و برای آنها مثالهای مفید بیاورید
101	ضمیر شأن و قصه چیست؟ برای آن دو مثال برنید
101	وجه نامیدن ضمیر به ضمیر فصل چیست؟
101	اسم اشاره را تعریف کرده و برای آن مثالی بیاورید
101	با چه لفظی به دو مذکر و دو مؤنث اشاره می‌کنند؟ آنرا با ذکر مثال واضح کنید
101	الفاظ اسم اشاره که به مفرد مؤنث اختصاص دارند چیست؟
101	ضمائر شأن و قصه و فصل را در جملات زیر استخراج نمائید
108	اسم موصول چیست؟
108	فرق موصول مختص و مشترك چیست؟
108	موصولات مختص را بشمارید
108	الفاظ موصولات مشترك چندتا است؟
108	شرط صله «الف و لام» چیست؟
108	در چه وقت حذف عائد از صله جائز است؟ برای آن مثالی بیاورید
112	اسم فعل را تعریف کرده و برای آن مثالی برنید
112	وزن قیاسی اسم فعل کدام است و برای آن مثالی بیاورید
112	به وزن فعال چه ملحق می‌شود؟
112	اسم صوت چند قسم است؟ برای آنها مثال برنید

112	اسم مرکب چیست؟
112	اقسام اسم مرکب را یاد کنید
112	اعراب جزء دوم مرکبی که مشتمل بر حرف نیست چیست؟
112	در جملات زیر اسماء افعال را استخراج کنید
115	کنایه را تعریف کرده و برای آن مثالی برنید
115	اقسام «کم» چیست؟ آنها را با مثال ذکر نمائید
116	چه وقت «کم» منصوب می‌شود؟
116	چه وقت «کم» محذوف واقع می‌شود؟
116	چه وقت «کم» مرفوع می‌گردد؟
116	در جملات زیر نوع «کم» و تمیز آن را معین کرده و اعراب آن را بیان نمائید
119	غایات چه می‌باشند؟
119	برای چه «حیث» مبنی است و شرط آن چه می‌شود؟
119	«اذا» و «اذ» برای چه زمانی استعمال می‌شوند؟
119	در جملات زیر ظروف را استخراج کرده و اعراب آنها را معین کنید
121	معنای «این» و «انی» چیست؟
121	«متی» و «کیف» و «ایان» برای چه معنایی استعمال می‌شوند، برای آن مثال برنید
121	معنای «مذ» و «منذ» چیست؟
121	فرق بین «لدى، لدن» و «عند» چیست؟
121	فرق بین «قط» و «عوض» چیست؟
121	در چه وقت جایز است ظروف مبنی بر فتح شوند؟
121	حکم «مثل» و «غیر» در صورتی که یا «ها، ان و ان» بیانند چیست با مثال آنها روشن کنید
121	در جملات زیر ظروف را استخراج کرده و اعراب آنها را بیان کنید
126	معرفة و نكرة را با ذکر مثال تعریف کنید
126	معارف را شمرده و برای آنها مثال برنید
126	تعریف علم چیست؟
126	اسم عدد چیست؟ و اصول عدد کدام است؟
126	از یازده تا نوزده عدد چگونه استعمال می‌شود؟
126	کیفیت استعمال اعداد از سه تا ده را با ذکر مثال‌های مفید بیان کنید
126	کیفیت استعمال دو عدد «ماه» یعنی صد و «الف» یعنی هزار را ذکر کنید
126	ارقام واقع در جملات زیر را که با عدد نوشته شده به حروف تبدیل کنید
130	برای چه «واحد» و «اثین» احتیاج به ممیز ندارند؟
130	چه زمانی تمیز عدد را مفرد و منصوب می‌آورند؟
130	اسمی که بعد از عدد سه تا ده واقع می‌شود حکمش چیست؟
130	مذکر و مؤنث را تعریف کرده و برای آن دو مثال بیاورید
130	علامات تأنث چیست و کدام مقدر گرفته می‌شود؟
130	اقسام مؤنث را با مثال بیاورید
130	ارقامی که در ذیل با عدد نوشته شده است را با حروف بنویسید و به هر کدام اسماء مذکر و مؤنث را به عنوان تمیز ملحق نمائید
134	تعریف مثنی چیست؟ آنها را مثال ذکر کنید
134	اسم مقصور را چگونه مثنی می‌کنند؟ آنها را مثال بیان کنید
134	در کلمات ذیل مثنی را از غیر آن جدا کنید
136	جمع را تعریف کرده و اقسامش را با مثال ذکر کنید
136	جمع مصحح چیست؟ و چند قسم دارد
136	جمع مذکر سالم را تعریف کنید
136	جمع مذکر سالم در اسم منقوص چگونه است؟ آنها را مثال بیان کنید
136	از اسم مقصور چگونه جمع مذکر سالم بنا می‌کنند؟
136	شرط جمع مذکر سالم در اسم و صفت چیست؟
136	کیفیت بناء جمع مؤنث سالم چیست و شرط آن در صفت چه می‌باشد؟
136	چرا از کلمات ذیل نمی‌توان جمع مذکر سالم بنا نمود؟
136	کلمات زیر را جمع مذکر سالم بنیدید
140	جمع مکسر را با ذکر مثال تعریف کنید
140	جمع قله چیست؟ اوزان آن را ذکر کنید
140	چه زمانی جمع کثره بجای قله استعمال می‌شود؟ آنها را ذکر مثال روشن کنید
141	مصدر چیست؟ برای آن مثالی برنید
141	چه زمانی مصدر عمل فعل را انجام می‌دهد

141	آیا اطلاق لازم یا متعدی بر مصدر صحیح بوده یا نه؟ آنرا با ذکر امثله‌ای شرح دهید
141	آیا تقدیم معمول مصدر بر آن جایز است یا نه؟ آنرا با مثال روشن کنید
141	در آیات زیر جمع‌های مکسر را استخراج کرده و نوع آنها را معین نموده و مفردشان را ذکر کنید
147	اسم فاعل چیست؟ و از ثلاثی مجرد بر چه وزن می‌آید؟
147	اسم فاعل از غیر ثلاثی مجرد چگونه ساخته می‌شود؟ برای آن چند مثال بیاورید
147	چه وقت اسم فاعل همچون فعلش عمل می‌کند؟ برای آن مثالی بیاورید
147	چه وقت اضافه شدن اسم فاعل واجب است؟
147	چه وقت اسم فاعل بدون شرط عمل می‌کند؟
147	اسم مفعول را تعریف کنید و کیفیت اشتقاق آنرا با ذکر چند مثال مفید بیان نمائید
147	شرط عمل کردن اسم مفعول چیست؟
147	در جملات زیر اسم فاعل و مفعول را پیدا کرده و آنچه که این دو بر آن اعتماد کرده‌اند را ذکر نمائید
153	صفت مشبیه را تعریف کرده و برای آن مثال بزنید
153	چه وقت صفت مشبیه همچون فعلش عمل می‌کند؟
153	در چه وقتی صفت حامل ضمیر می‌باشد آنرا با چند مثال شرح دهید
153	در جملات ذیل صفت مشبیه و معمولش را استخراج کنید
156	اسم تفضیل را تعریف کرده و صیغه آنرا ذکر نمائید
156	شرط ساختن اسم تفضیل چیست؟
156	اگر فعلی جامع شروط لازم نباشد چگونه اسم تفضیل از آن می‌سازند؟
156	و جوهی که در استعمال اسم تفضیل می‌باشد را با مثالهایی ذکر نمائید
156	در جملات زیر اسم‌های تفضیل را استخراج کنید
160	فعل ماضی چیست؟ و بر چه مبنی می‌باشد؟
160	مضارع را تعریف کرده و برای آن مثال بزنید
160	فعل مضارع را چرا مضارع می‌نامند؟
160	فعل مضارع چه وقت مبنی می‌شود آنرا با مثال روشن کنید
160	فعل ماضی و مضارع را از جملات زیر استخراج کرده و علامت اعراب و بناء را مذکر شوید
165	اعراب فعل مضارع مفرد صحیح چیست؟ آنرا با مثال روشن کنید
165	کدام يك از صیغه‌های فعل مضارع نصب و جزمشان به حذف نون می‌باشد؟
165	در حالت رفع و جزم اعراب فعل مضارع ناقص بانی و واوی چیست؟
165	کدام نوع از فعل مضارع رفع و نصب و جزمش به تقدیر ضمه و فتحه و حذف لام الفعل است؟
165	در فعل مضارع مرفوع عامل رفعی چیست؟
165	در جملات زیر فعل مضارع را استخراج نموده و صیغ اعراب آنها را بیان کنید
169	نواصب مضارع را با ذکر مثال بیان کنید
169	شیش موضع از مواضع تقدیر «ان» ناصبه را بشمارید
169	چه زمان اظهار «ان» جایز بوده و چه وقت واجب است؟
169	«ان» که بعد از «طن» واقع است چه می‌باشد؟
169	در جملات ذیل فعل مضارع منصوب را استخراج کرده و سبب منصوب شدنشان را بیان کنید
174	عواملی که مضارع را جزم می‌دهند با ذکر مثال بشمارید
175	فرق بین لم و لما چیست؟
175	کلمات مجازات بر چه داخل شده و بعد از دخول بر چه دلالت دارند با ذکر مثال آنرا واضح کنید
175	چه وقت جایز است که جزاء را مرفوع و مجزوم خوانند؟
175	در چه وقت ربط جزاء با فاء ممتنع و در چه وقت جایز است؟
175	در جملات زیر مضارع مجزوم را استخراج کرده و عامل آنرا ذکر نمائید؟
180	مواضع لزوم ربط جزاء با فاء را بشمارید
180	جرائی که جمله اسمیه است در چه وقت با فاء ربط داده نمی‌شود؟
180	ان شرطیه را چه وقت مقدر گرفته و شرطش چیست؟
180	در جملات زیر جزاء شرط را استخراج کرده و بیان کنید دخول فاء بر آن واجب بوده یا جائز و یا ممتنع و در ضمن سبب وجوب و جواز و امتناع را بیان نمائید
184	فعل امر را تعریف کرده و برای آن مثال بزنید
184	فعل امر چگونه ساخته می‌شود؟
184	فعل امر مبنی بر چه می‌باشد آنرا با مثالی روشن کنید؟
184	فعل مجهول را تعریف کرده و برای آن مثال بزنید
184	در ابوابی که ابتداء آن همزه وصل یا ناء زائده می‌باشد فعل ماضی چگونه مجهول می‌شود؟
184	در جملات زیر فعل امر را استخراج کرده و اصلی را که فعل امر از آن مشتق شده است را بیان نمائید
190	مضارع مجهول را چگونه می‌سازند؟ چند مثال برای آن ذکر کنید
190	مضارع مجهول از اجوف را چگونه می‌سازند؟
190	و جوهی را که در ماضی مجهول از اجوف جائز است ذکر کنید
190	فعل لازم را تعریف کرده و برای آن مثال بزنید

190	اقسام متعدی را شمرده و برای آن مثال بیاورید
190	کدام یک از مفاعیل سه‌گانه حذفی، جازز است؟
190	در جملات زیر فعل‌های مجهول را استخراج کرده و نائب فاعل آنها را معین کنید
196	افعال قلوب بر چه داخل شده و عملشان چیست؟
196	آیا جازز است بر یکی از دو مفعول افعال قلوب اکتفاء نمود یا نه؟
196	فرق بین الفاء و تعلیق چیست؟
196	معلقات افعال قلوب چیست؟ آنها را با ذکر مثال شرح دهید
196	چه زمانی «ظننت» و «علمت» و «رأیت» و «وحدت» فقط به یک مفعول متعدی می‌شوند؟
196	در جملات زیر افعال قلوب را استخراج کرده و دو مفعول آنها را معین کنید
200	افعال ناافصه را تعریف کرده و عمل آنها را بیان کنید
200	اقسام «کان» را با ذکر مثال شرح دهید
200	معنای «ظل» و «بان» چیست؟
200	در جملات زیر افعال ناافصه را استخراج کرده و دو مفعول آنها را مشخص نموده و معانی این افعال را ذکر کنید
203	افعال ناافصه‌ای را که اولشان «ما» بوده بشمارید و معانی آنها را با مثالی ذکر کنید
203	معنای «لیس» چیست؟ آنرا با مثال بیاورید
203	افعال مقاربه را تعریف کرده و مثالی برای آن بیاورید
204	اقسام افعال مقاربه را ذکر کرده و برای هر قسمی مثال مفیدی بیاورید
204	کدامیک از افعال مقاربه با «ان» استعمال نمی‌شوند؟
204	خیر افعال مقاربه از چه نوع می‌باشد؟
204	در جملات ذیل افعال ناافصه و دو مفعول آنها را پیدا و مشخص کنید
209	برای تعجب چند صیغه بوده و آنها را با مثال ذکر کنید
209	دو صیغه تعجب را از چه می‌سازند؟
209	آیا بین دو صیغه تعجب و معمولشان فاصله شدن جازز است؟
209	دو قل مدح را با ذکر مثال برای هر کدام ذکر کنید
209	فاعل افعال مدح و ذم چه چیز می‌باشد؟
209	افعال مدح و ذم چیست؟ با مثال آنها را ذکر کنید
209	در جملات زیر افعال تعجب و مفعول آنها را معین کنید
215	حروف جر را تعریف کرده و برای آنها مثالی بیاورید
215	معنای «من» را بشمارید
215	«الی» برای چه معنایی می‌آید آنرا با مثال روشن کنید
215	در جملات زیر دو حرف «من» و «الی» را استخراج کرده و نوع آنها را ذکر کنید
219	معنای حتی و فی چیست؟
219	سه معنا از معنای «باء» را ذکر کرده و برای آنها مثال بزنید
219	باء در کدام موارد زائد واقع می‌شود؟
219	در آیات شریفه زیر حروف «حتی» و «فی» و «باء» را استخراج کرده و معانی آنها را معین کنید
223	سه معنا از معنای لام را نوشته و برای آنها مثال بزنید
223	معنای «رب» چیست و مدخول آن چه می‌باشد؟
223	چه فعلی بعد از «رب» واقع می‌شود؟ و برای چه این‌طور می‌باشد؟
223	معنای واو «رب» چیست؟
223	در جملات زیر «لام» و «رب» را استخراج کرده و معانی آنها را ذکر کنید
227	واو و تاء قسم اختصاص به چه داشته؟ برای آن مثالی بزنید
227	باء قسم بر سر چه داخل می‌شود؟ برای آن مثالی بزنید
227	در چه وقت جواب است «لام» بر جواب قسم داخل شود؟ با مثال آنرا شرح دهید
227	در چه وقت «ما» یا «لا» بر جمله قسم داخل می‌شود؟
227	چه وقت جواب قسم حذف می‌شود؟ آنرا با چند مثال بیان کنید
227	معنای «عن» و «علی» چیست؟ برای آنها مثال بزنید
227	«عن» و «علی» چه وقت اسم می‌باشند؟ آن را با چند مثال بیان کنید
227	کاف به چه معنا استعمال می‌شود؟
227	دو معنای «مذ» و «مبذ» را با مثال بیان کنید
227	حروف جارهای که برای استثناء استعمال می‌شوند کدام می‌باشند؟
227	در جملات زیر «واو» و «تاء» و «علی» و «کاف» را استخراج کرده و معانی آنها را متذکر شوید
230	حروف جاره زیر را در جاهای مناسب خالی از جملات ذیل قرار دهید
233	حروف مشبّهة بالفعل چندتا بوده و عمل آنها چیست؟
233	بعد از الحاق ماء کاف به حروف مشبّهة بالفعل آیا واجب است بر سر جمله اسمیه داخل شوند؟
233	مواضعی که واجب است «ان» به کسر همزه خوانده شود را شمرده و برای آنها مثال بزنید

233 مواضعی که واجب است «ان» به فتح همزه خوانده شود را بشمارید

233 آنچه به اسم «ان» عطف می شود اعرایش چیست؟

233 در جملات زیر اسم «ان» را از خبر آن مشخص کنید و سبب کسر همزه یا فتح آنرا ذکر نمایید

239 وقتی «ان» مکسوره مخفف شود لازمه اش چیست و برای چه این لازمه را دارد؟

239 بعد از تخفیف آيا «ان» مکسوره عمل می کند یا نه؟ مثالی برای آن برنید

239 اسم «ان» مفتوحه بعد از تخفیف چیست؟ مثالی برای آن برنید

239 در خبر «ان» مخففه که جمله فعلیه است چه چیز واجب می باشد؟

239 معنای «کان» و «لکن» را ذکر نموده و حکم این دو بعد از مخفف شدن چیست؟

239 معنای «لیت» و «لعل» چیست؟ برای آن دو مثالی برنید

239 در آیات شریفه ذیل حروف مشبیه بالفعل را استخراج کرده و معانی آنها را ذکر نموده و دو معمول آنها را معین کنید

242 بین معنای «او» و «فاء» و «ثم» چه فرقی است یا ذکر مثال آنرا شرح دهید

242 بین معنای «ثم» و «حتی» چه فرقی است؟

243 در عطف به «حتی» شرط چیست؟ و «حتی» مفید چه می باشد؟

243 «او» و «اما» و «ام» برای چه معنایی استعمال می شوند یا مثال آنرا ذکر کنید

243 در جملات ذیل عاطف و معطوف و معطوف علیه را معین کنید

247 معنای «ام» چیست؟ و فرقی بین «او» و «اما» چه می باشد؟

247 شرائط استعمال «ام» متصله را ذکر کنید

247 معنای «ام» منقطعه چیست؟

247 «ام» منقطعه در چند موضع استعمال می شود؟

247 در جملات زیر «ام» متصله را از منقطعه ممیز و مشخص کنید

251 «لا» و «لی» و «لکن» برای چه معنایی بوده و فرقی بین آنها چیست؟

251 حروف تنبیه برای چه معنایی وضع شده اند، برای آنها مثال برنید؟

251 «ها» و دو نظیرش «الا»، «ام»، «ثم» چه فرقی با هم دارند؟

251 حروف نداء را شمرده و ذکر کنید که آنها به چه اختصاص دارند؟

251 بین «نعم» و «بلی» و «ای» چه فرقی است؟

258 مواضع زائد واقع شدن «ان» را بشمارید

258 در چه وقت «ان» زائد می باشد برای آن مثال برنید

258 کلمه «ما» یا چه زائد واقع می شود؟

258 مواضع زائد واقع شدن «لا» را ذکر کنید

258 فرقی بین «ما و ان» و بین ان چیست؟

258 از آیات شریفه زیر حروف زیادی را استخراج نمایید

262 دو حرف تفسیر را شمرده و برای آن دو مثال برنید

262 یا «ان» چه چیز تفسیر می شود؟

262 حروف تحذیر را شمرده و معانی آنها را بیان کنید

262 مدخول حروف تحذیر چیست؟

265 وقتی «قد» بر سیر ماضی داخل شود معنایش چیست؟ آنرا با مثال بیان کنید

265 در چه وقت «قد» به معنای «تقلیل» می باشد، برای آن مثال برنید؟

265 بین «قد» و فعل یا چه چیز فاصله می اندازند؟

266 دو حرف استفهام بر سر چه داخل می شوند؟

266 مواضعی که جابر است همزه در آنها استعمال شود نه هل کدام می باشند؟

266 از آیات شریفه ذیل حروف توفیع و استفهام را استخراج کنید

270 حروف شرط را شمرده و بیان کنید که بر چه داخل می شوند؟

270 فرقی بین «ان» و «لو» چیست؟

270 «ان» در چه اموری استعمال می شود، یا مثالهایی آن را توضیح دهید

270 «لو» بر چه دلالت می کند، یا مثال آنرا واضح کنید

270 وقتی قسم بر شرط مقدم شود بیان کنید

273 «اما» شرطیه در چه معنایی استعمال می شود؟ برای آن مثال برنید

273 در جواب «اما» واجب است چه چیز آورده شود؟ آنرا با مثال واضح و روشن کنید

273 در اما برای چه جمله شرط حذف می شود؟

273 حکم جزئی که بعد از «اما» می آید چیست؟

273 کلا برای چه وضع شده؟

273 چرا «کلا» که به معنای «حقا» است مبنی می شود؟

273 از آیات ذیل «اما» و «کلا» را استخراج کرده و معنای آن دو را ذکر نمایید

277 نداء تأنیت ساکنه بر چه دلالت دارد؟ برای آن مثال برنید

277 چه وقت واجب است نداء تأنیت حرکت داده شود و چه حرکتی به آن داده و برای چه حرکت می گیرد؟

277	تنوین را تعریف کرده و برای آن مثال بزنید
277	اقسام تنوین را بشمارید
277	تنوین تمکن چیست؟ و برای آن مثال بزنید
277	تنوین، تنکیر و عوض را تعریف کنید
278	چرا تنوین مقابله را مقابله نامیده‌اند؟ آنرا با مثال شرح دهید
278	تنوینی که به اسم اختصاص ندارد چیست؟
278	چه وقت تنوین از علم حذف می‌شود؟
278	از آیات ذیل تاء تأنیت ساکنه و تنوین را استخراج کرده و نوع تنوین را بیان کنید
282	نون تأکید چیست؟
282	نون تأکید ثقلیه چه وقت مفتوح و چه زمان مکسور می‌شود؟
282	مواضعی که جایز است نون تأکید ملحق بشود کدام است؟
282	چه وقت واجب است نون تأکید ملحق بشود؟ و برای چه ملحق می‌شود؟
282	چه وقت واجب است قبل از نون تأکید مضموم و چه وقت باید مکسور گردد؟
282	برای چه قبل از نون تأکید در تننیه و جمع مؤنث مفتوح می‌شود؟
282	نون تأکید خفیه بر چه داخل نشده و برای چه داخل نمی‌شود؟
282	از جملات زیر افعالی که مؤکد به نون تأکید هستند را استخراج کرده و سپس آنها را به اصلشان پیش از الحاق نون تأکید برگردانید